



فراعصری بودن قرآن

دکتر محمد حاجی ابوالقاسم دولابی



پژوهشگاه حوزه و دانشگاه

زمستان ۱۳۹۷

حاجی ابوالقاسم دولابی، محمد، ۱۳۵۴- .
فراعصری بودن قرآن / محمد حاجی ابوالقاسم دولابی. - قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، ۱۳۹۷.
یازده، ۲۵۲ص: نمودار. - (پژوهشگاه حوزه و دانشگاه؛ ۴۲۵: علوم قرآنی؛ ۴۷)
بها: ۲۰۰۰۰ تومان
فهرست‌نویسی براساس اطلاعات فیپا.
کتابنامه: ص. [۲۳۳]-۲۴۲؛ همچنین به صورت زیرنویس.
نمایه.
۱. قرآن - جامعیت. ۲. قرآن - تحقیق. ۳. قرآن - دفاعیه‌ها و ردیه‌ها. الف. پژوهشگاه حوزه و دانشگاه. ب. عنوان.
۱۳۹۷ ۴ ف ۱۶ ح / ۳ / ۶۵ BP ۲۹۷/۱۵۹
شماره کتابشناسی ملی ۴۹۶۸۷۴۳



فراعصری بودن قرآن

مؤلف: دکتر محمد حاجی ابوالقاسم دولابی

ویراستار: سعیدرضا علی‌عسکری

صفحه‌آرایی: کاما

چاپ اول: زمستان ۱۳۹۷

تعداد: ۵۰۰ نسخه

لیتوگرافی: سعیدی

چاپ: قم - جعفری

قیمت: ۲۰۰۰۰ تومان

کلیه حقوق برای پژوهشگاه حوزه و دانشگاه محفوظ و نقل مطالب با ذکر مأخذ بلامانع است.

قم: ابتدای شهرک پردیسان، بلوار دانشگاه، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، تلفن: ۰۲۵ - ۳۲۱۱۱۱۰۰ (انتشارات: ۳۲۱۱۱۳۰۰) شماره: ۳۲۸۰۳۰۹۰

ص.پ. ۳۱۵۱ - ۳۷۱۸۵ ● تهران: خیابان انقلاب، بین وصال و قدس، کوی اُسکو، پلاک ۴، تلفن: ۶۶۴۰۲۶۰۰

www.rihu.ac.ir

info@rihu.ac.ir

www.ketab.ir/rihu فروش اینترنتی:

سخن پژوهشگاه

پژوهش در علوم انسانی [به منظور شناخت، برنامه‌ریزی و ضبط و مهار پدیده‌های انسانی] در راستای سعادت واقعی بشر ضرورتی انکارناپذیر و استفاده از عقل و آموزه‌های وحیانی در کنار داده‌های تجربی و در نظر گرفتن واقعیت‌های عینی و فرهنگ و ارزش‌های اصیل جوامع، شرط اساسی پویایی، واقع‌نمایی و کارایی این‌گونه پژوهش‌ها در هر جامعه است.

پژوهش کارآمد در جامعه ایران اسلامی در گرو شناخت واقعیت‌های جامعه از یک‌سو و اسلام به عنوان متقن‌ترین آموزه‌های وحیانی و اساسی‌ترین مؤلفه فرهنگ ایرانی از سوی دیگر است؛ از این‌رو، آگاهی دقیق و عمیق از معارف اسلامی و بهره‌گیری از آن در پژوهش، بازنگری و بومی‌سازی مبانی و مسائل علوم انسانی از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است.

توجه به این حقیقت راهبردی از سوی امام خمینی علیه السلام بنیانگذار جمهوری اسلامی، زمینه شکل‌گیری دفتر همکاری حوزه و دانشگاه را در سال ۱۳۶۱ فراهم ساخت و با راهنمایی و عنایت ایشان و همت استادان حوزه و دانشگاه، این نهاد علمی شکل گرفت. تجربه موفق این نهاد، زمینه را برای گسترش فعالیت‌های آن فراهم آورد و با تصویب شورای گسترش آموزش عالی در سال ۱۳۷۷ «پژوهشکده حوزه و دانشگاه» تأسیس شد و در سال ۱۳۸۲ به «مؤسسه پژوهشی حوزه و دانشگاه» و در سال ۱۳۸۳ به «پژوهشگاه حوزه و دانشگاه» ارتقا یافت.

پژوهشگاه تاکنون در ایفای رسالت سنگین خود خدمات فراوانی به جوامع علمی ارائه نموده است که از آن جمله می‌توان به تهیه، تألیف، ترجمه و انتشار ده‌ها کتاب و نشریه علمی اشاره کرد.

این اثر به عنوان منبع درسی برای دانشجویان رشته علوم قرآنی و حدیث در مقطع کارشناسی ارشد و عموم علاقه‌مندان به معارف قرآن قابل استفاده است.

از استادان و صاحب‌نظران ارجمند تقاضا می‌شود با همکاری، راهنمایی و پیشنهادهای اصلاحی خود، این پژوهشگاه را در جهت اصلاح کتاب حاضر و تدوین دیگر آثار مورد نیاز جامعه دانشگاهی یاری دهند.

در پایان پژوهشگاه لازم می‌داند از تلاش‌های مؤلف محترم اثر، حجت‌الاسلام دکتر محمد حاجی ابوالقاسم دولابی، ناظر محترم، جناب آقای حجت‌الاسلام دکتر محمدباقر سعیدی روشن و ارزیاب اثر، جناب آقای دکتر محمد فتحعلی‌خانی سپاسگزاری کند.

فهرست مطالب

۱	مقدمه نویسنده
۳	فصل اول: کلیات
۳	۱-۱. مقدمه
۴	۲-۱. بیان مسئله
۴	عصری‌نگری افراطی
۵	فراعصری‌نگری حداقلی
۶	فراعصری‌نگری حداکثری
۶	تبیین اول (خطاب عام و بی‌نیازی از قرائن برون‌متنی)
۷	تبیین دوم (خطاب خاص و نیاز به قرائن برون‌متنی)
۷	تبیین سوم (خطاب عام در عین نیاز به قرائن برون‌متنی)
۸	تفاوت سه تبیین یادشده
۸	تفاوت فراعصری بودن قرآن و فراعصری بودن فهم قرآن
۹	نسبت فراعصری بودن قرآن و فراعصری بودن دین
۱۱	تفاوت فراعصری بودن قرآن با موضوع پیروی نکردن قرآن از فرهنگ قوم
۱۲	تفاوت فراعصری بودن قرآن با موضوع چگونگی پاسخگویی قرآن به نیازهای زمان
۱۳	گستره موضوع
۱۳	۳-۱. ضرورت‌ها و اهمیت‌ها
۱۴	۴-۱. اهداف
۱۴	۵-۱. پرسش‌ها
۱۴	پرسش اصلی
۱۵	پرسش‌های فرعی
۱۵	۶-۱. فرضیه
۱۶	۷-۱. پیش‌فرض‌ها
۱۶	۸-۱. تعریف عملیاتی واژه‌ها
۱۶	فراعصری بودن
۱۷	فراعصری بودن قرآن

۱۷	فراعصری بودن معانی الفاظ قرآن کریم
۱۸	فراعصری بودن پیام‌های کلی برخاسته از قرآن کریم
۱۸	۹-۱. پیشینه بحث
۲۱	۱۰-۱. روش کار
۲۳	فصل دوم: مبانی
۲۵	۱-۲. مبانی خداشناختی
۲۵	۱-۱-۲. علم خداوند
۲۵	۱-۱-۱-۲. مفهوم‌شناسی علم
۲۶	۲-۱-۲. علم خداوند به حوادث آینده
۲۷	۲-۲. مبانی پیامبرشناختی
۲۷	۱-۲-۲. پیامبر، علت قابل‌وحی
۲۹	۳-۲. مبانی وحی‌شناختی
۳۰	۱-۳-۲. آگاهانه بودن وحی
۳۰	۲-۳-۲. سرشت زبانی داشتن وحی
۳۲	۱-۲-۳-۲. دیدگاه مخالفان
۳۲	بررسی
۳۳	۳-۳-۲. تفاوت داشتن وحی با شعر شاعران
۳۴	۱-۳-۳-۲. تفاوت‌های وحی و الهام
۳۵	۴-۲. مبانی انسان‌شناختی
۳۶	۱-۴-۲. دوساحتی بودن وجود انسان و اصالت روح
۳۸	۲-۴-۲. طبیعت مشترک و نیازهای روحی مشترک انسان
۳۹	۱-۲-۴-۲. دستگاه ادراکی مشترک
۴۰	۲-۲-۴-۲. دستگاه گرایشی مشترک
۴۰	۵-۲. مبانی معناشناختی
۴۱	۱-۵-۲. هویت مستقل معنا
۴۱	۱-۱-۵-۲. نظریه انکار معنا
۴۲	۲-۱-۵-۲. نظریه رفتاری معنا
۴۲	۳-۱-۵-۲. نظریه کاربردی معنا
۴۳	۴-۱-۵-۲. نظریه مختار
۴۵	۲-۵-۲. قصدی بودن معنا
۴۵	۱-۲-۵-۲. دیدگاه مخالفان
۴۶	۲-۲-۵-۲. نظریه مختار
۴۷	۳-۵-۲. تعیین معنایی متن
۴۹	۱-۳-۵-۲. ادله انکار تعیین معنایی متن
۴۹	۲-۳-۵-۲. پاسخ
۵۰	۶-۲. مبانی اخلاقی و ارزشی
۵۱	۱-۶-۲. واقع‌گرایی

۵۳ ۲-۶-۲. عام‌گرایی (نفی تکثرگرایی)
۵۴ ۲-۶-۳. مطلق‌گرایی (نفی نسبی‌گرایی)
۵۵ ۲-۶-۱. نظریه فیلسوفان مسلمان
۵۹ فصل سوم: دیدگاه منکران فراعصری بودن قرآن
۶۰ ۱-۳. تاریخی‌نگری مطلق
۶۳ ۱-۱-۳. هیستوریسیزم کلاسیک
۶۵ ۱-۱-۳. رابطه تاریخی‌نگری کلاسیک و تاریخ‌مند بودن قرآن کریم
۶۶ ۲-۱-۳. هیستوریسیزم فلسفی
۶۹ بررسی
۶۹ ۱-۳-۱. ناسازگاری ذاتی
۷۰ ۲-۳-۱. ناسازگاری از حیث مسلم‌گرفتن خود
۷۰ ۳-۳-۱. ایرادهای دیگر
۷۱ ۲-۳. تاریخی شدن قرآن در فرایند نزول
۷۲ ۱-۲-۳. نظریه تجربه نبوی
۷۳ ۱-۱-۲-۳. فروکاستن وحی به تجربه
۷۳ ۱-۱-۲-۳. لزوم همسانی معنای وحی در همه استعمال‌های آن
۷۶ ۲-۱-۲-۳. لزوم تسلسل در فرض انکار این نظریه
۷۷ بررسی
۷۷ ۳-۱-۲-۳. مثال‌هایی در باب نقض بر منکران تجربه نبوی
۷۸ بررسی
۷۹ ۴-۱-۲-۳. ناممکن بودن دخالت امور غیر مادی در نظام علی و معلولی این جهان
۸۰ بررسی
۸۱ ۲-۱-۲-۳. هر تجربه‌ای تاریخ‌مند است
۸۲ بررسی
۸۲ ۳-۱-۲-۳. بطلان نظریه تجربه نبوی
۸۳ ۱-۳-۱-۲-۳. نقض غرض از نزول قرآن
۸۸ ۲-۳-۱-۲-۳. لزوم کذب و اغرای به جهل از سوی پیامبر ﷺ
۸۸ آیات دال بر وحيانی بودن الفاظ قرآن
۸۹ یکم: مدلول مطابقی
۸۹ اشکال منافات نداشتن نزول با تأثیر فاعلی پیامبر ﷺ
۹۰ بررسی
۹۱ اشکال مشابهت وحی قرآنی به وحی به زنبور عسل
۹۲ بررسی
۹۳ دوم: مدلول التزامی
۱۰۰ نتیجه
۱۰۱ ۳-۱-۲-۳. روایات
۱۰۱ یکم: مدلول مطابقی

۱۰۲	دوم: مدلول التزامی
۱۰۳	۲-۲-۳. نظریه نزول قرآن مطابق فرهنگ زمانه
۱۰۴	۱-۲-۲-۳. دلیل نظریه یادشده
۱۰۴	بررسی
۱۰۸	نتیجه
۱۰۸	۳-۳. تاریخی بودن عرضیات قرآن
۱۰۹	۱-۳-۳. تبیین دیدگاهها
۱۰۹	۱-۱-۳-۳. سروش
۱۱۱	۲-۱-۳-۳. مجتهد شبستری
۱۱۱	۳-۱-۳-۳. مصطفی ملکیان
۱۱۲	جمع‌بندی دیدگاهها
۱۱۲	۲-۳-۳. بررسی ادله تقسیم مفاد قرآن به ذاتی و عرضی
۱۱۲	۱-۲-۳-۳. دلیل عقلی
۱۱۳	بررسی
۱۱۳	خلط میان دین و اهداف دین
۱۱۳	نبودن تلازم میان عرضی بودن و قابل تغییر بودن
۱۱۴	نداشتن ملاک قابل قبول برای تفکیک ذاتیات از عرضیات
۱۱۵	ملاک‌های ادعاشده برای تمایز ذاتی از عرضی
۱۲۷	۲-۲-۳-۳. ادله نقلی
۱۲۷	۱-۲-۲-۳-۳. آیه نهی از سؤال
۱۲۸	بررسی
۱۳۰	ادله دیدگاه نخست
۱۳۲	ادله دیدگاه دوم
۱۳۳	اول: اهمیت تفقه
۱۳۳	دوم: سیره اصحاب بر سؤال
۱۳۳	سوم: پاسخ دادن به سؤال از احکام موجب ناراحتی نیست
۱۳۳	ادله دیدگاه مختار
۱۳۴	۱. اهمیت سؤال برای یادگیری احکام دینی
۱۳۵	۲. تأکید شریعت بر تفقه
۱۳۶	۳. اشمال قرآن بر سؤالاتی در تفصیل احکام
۱۳۶	۴. واژه «تسؤکم»
۱۳۷	۵. واژه «ابداء»
۱۳۸	۶. ناهماهنگی شأن نزول یادشده با تاریخ نزول آیات
۱۳۹	دلالت آیه بر وجود ذاتی و عرضی در دین
۱۴۱	نتیجه
۱۴۱	۲-۲-۲-۳-۳. روایت
۱۴۲	بررسی

۱۴۵	فصل چهارم: دیدگاه قائلان به فراعصری بودن قرآن
۱۴۵	۱-۴. ادله فراعصری بودن قرآن
۱۴۶	۱-۴-۱. دلیل عقلی
۱۴۶	مقدمات استدلال
۱۴۶	۱-۴-۱. حکمت الهی
۱۴۶	مفهوم‌شناسی
۱۴۷	دلیل حکمت خداوند
۱۴۸	حکمت در آفرینش انسان
۱۴۹	۱-۴-۲. نیاز به انبیا
۱۵۲	۱-۴-۳. استمرار نیاز به انبیا
۱۵۳	۱-۴-۴. خاتمیت
۱۵۳	تحلیل اول از خاتمیت
۱۵۴	تحلیل دوم از خاتمیت
۱۵۶	بررسی
۱۵۷	جمع‌بندی استدلال عقلی
۱۵۸	۱-۴-۲. قرآن
۱۵۹	۱-۴-۱-۲. آیه اول سوره فرقان
۱۶۰	۱-۴-۲-۲. آیه ۱۰۷ سوره انبیا
۱۶۱	بررسی
۱۶۲	۱-۴-۲-۳. آیه ۵۲ سوره قلم
۱۶۳	۱-۴-۲-۴. آیه ۲۸ سوره سبأ
۱۶۴	بررسی
۱۶۵	۱-۴-۲-۵. آیه ۱۵۸ سوره اعراف
۱۶۵	۱-۴-۲-۶. آیه ۱۹ سوره انعام
۱۶۶	۱-۴-۲-۷. آیه ۵۲ سوره ابراهیم
۱۶۶	نتیجه‌گیری
۱۶۷	۱-۴-۳. روایات
۱۶۷	۱-۴-۱-۳. فراعصری بودن قرآن
۱۶۹	۱-۴-۲-۳. فراعصری بودن احکام الهی
۱۷۱	۱-۴-۳-۳. فراعصری بودن دین اسلام
۱۷۱	۱-۴-۳-۴. قرآن دربردارنده علم حوادث آینده تا روز قیامت
۱۷۲	۱-۴-۳-۵. فراعصری بودن حلال و حرام پیامبر ﷺ
۱۷۳	۱-۴-۳-۶. جامعیت کتاب و سنت
۱۷۵	۱-۴-۳-۷. فراعصری بودن برخی احکام شرعی
۱۷۷	نتیجه
۱۷۸	۱-۴-۴. ضرورت و ارتکاز
۱۷۸	۱-۴-۵. اشمال قرآن بر ویژگی‌های یک متن فراعصری
۱۷۹	۱-۴-۱-۵. تمرکز بر مسائل مهم بشر

۱۷۹ ۱-۱-۵-۱-۴ معارف نظری
۱۸۰ یکم: خدانشناسی
۱۸۲ دوم: انسان‌شناسی
۱۸۵ سوم: راه و راهنماشناسی
۱۸۷ چهارم: قرآن‌شناسی
۱۸۷ ۲-۱-۵-۱-۴ وظایف عملی
۱۸۷ یکم: وظایف دائمی انسان در ارتباط با خداوند
۱۸۹ دوم: وظایف دائمی انسان در ارتباط با خود
۱۸۹ سوم: وظایف دائمی انسان در ارتباط با طبیعت
۱۹۰ چهارم: وظایف دائمی انسان در ارتباط با دیگر انسان‌ها
۱۹۲ ۲-۵-۱-۴ همسویی با فطرت و عقل
۱۹۳ تعریف عقل و فطرت و تفاوت آن دو
۱۹۴ همسویی با فطرت
۱۹۶ هماهنگی با عقل
۱۹۷ ۳-۵-۱-۴ انعطاف‌پذیری و پیش‌بینی همه شرایط
۱۹۸ ۴-۵-۱-۴ عمق معنایی
۱۹۹ ۵-۵-۱-۴ ساختار لفظی منحصربه‌فرد
۲۰۰ نتیجه
۲۰۰ ۲-۴ تحلیل سازگاری ناظر بودن به دوره نزول با فراعصری بودن
۲۰۰ پاسخ‌ها
۲۰۱ ۱-۲-۴ حقیقه بودن قضایای شرعی
۲۰۱ بررسی
۲۰۱ ۱-۱-۲-۴ تعریف «قضیه»
۲۰۳ ۲-۱-۲-۴ تقسیم قضیه به حقیقه و خارجی و تفاوت‌های آن دو
۲۰۳ الف) تعریف منطقیان
۲۰۴ ب) تعریف اصولیان
۲۰۵ ۳-۱-۲-۴ تعریف «موضوع قضیه»
۲۰۵ الف) تعریف موضوع از نگاه منطقیان
۲۰۶ ب) تعریف «موضوع» از نگاه اصولیان
۲۰۶ ۴-۱-۲-۴ تبارشناسی گزاره‌های قرآنی از نظر حقیقه و خارجی بودن
۲۰۷ دسته اول: قضایای شخصی (جزئی)
۲۰۸ دسته دوم: قضایای کلیه
۲۰۹ الف) جملات خبری
۲۱۰ ب) جملات انشائی
۲۱۰ نتیجه
۲۱۱ ۲-۲-۴ چندلایه بودن خطاب قرآن
۲۱۳ ۱-۲-۲-۴ ادله چندلایه بودن خطاب قرآنی
۲۱۳ ادله قرآنی

۲۱۴ ادله روایی
۲۱۵ ۲-۲-۴. تطبیق خطاب چندلایه بر عبارتهای قرآنی
۲۱۵ الف) جملاتی که موضوع آنها جزئی خارجی است
۲۱۶ ب) جملاتی که موضوع آنها کلی است
۲۱۷ ۳-۴. بیان تقریرهای گوناگون فراعصری بودن قرآن و اثبات دیدگاه مختار
۲۱۸ ۱-۳-۴. دیدگاه اول (خطاب عام و عدم نیاز به قرائن برون‌متنی)
۲۱۸ ۱-۱-۳-۴. بررسی دیدگاه اول
۲۲۰ ۲-۳-۴. دیدگاه دوم (خطاب خاص و نیاز به قرائن برون‌متنی)
۲۲۱ ۲-۲-۳-۴. بررسی دیدگاه دوم
۲۲۷ نتیجه
۲۲۷ ۳-۳-۴. دیدگاه سوم (خطاب عام و نیاز به قرائن برون‌متنی)
۲۲۸ ۱-۳-۳-۴. بررسی دیدگاه سوم
۲۲۹ فصل پنجم: جمع‌بندی و نتیجه‌گیری
۲۳۳ منابع و مأخذ
۲۴۳ نمایه‌ها

مقدمه نویسنده

قال رسول الله ﷺ: إِنِّي تَارِكٌ فِيكُمْ الثَّقَلَيْنِ مَا إِنْ تَمَسَّكْتُمْ بِهِمَا لَنْ تَضِلُّوا، كِتَابَ اللَّهِ وَعِترَتِي؛ أَهْلَ بَيْتِي وَإِنَّهُمَا لَنْ يَفْتَرِقَا حَتَّى يَرِدَا عَلَيَّ الْحَوْضَ.

پیامبر اکرم ﷺ فرمودند: من در میان شما دو شیء گرانبها به یادگار می‌گذارم. تا مادامی که به آن دو تمسک بجوید هرگز گمراه نمی‌شوید. کتاب خدا و عترتم یعنی اهل بیتم. و این دو هرگز از هم جدا نخواهند شد تا وقتی در حوض (کوثر) وارد بر من شوند.

روایت فوق که به شهادت مرحوم صاحب وسائل جزء احادیث متواتر است، بر این نکته دلالت می‌کند که قرآن کریم و روایات معصومین علیهم‌السلام برای همیشه هدایتگر و نجات‌بخش امت خواهند بود.

با وجود این، برخی از روشن‌فکران مسلمان در اثر مواجهه با تفکرات دگراندیشان غربی، قرآن کریم را کتابی تاریخ‌مند و منحصر به زمانه نزول خود دانسته‌اند و ویژگی هدایتگری آن را منحصر به دوره‌ای خاص پنداشته‌اند.

از نگاه برخی از این گروه، قرآن کریم محصول اندیشه بشری است و مانند هر اثر آفریده‌شده توسط هر انسان دیگری محدود به زمان خود است. از نگاه برخی دیگر که به فضای اسلامی نزدیک‌تر هستند، قرآن اگرچه سخن خداست، اما ناظر به زمان خود و محدود به عصر نزول، فرود آمده است و برای زندگی امروز بشر مفید نبوده و در حکم یک شیء تاریخی است که صرفاً به کار واکاوی تاریخ گذشتگان می‌آید.

در کتاب حاضر تلاش شده است تا پس از بررسی‌های همه‌جانبه نظریه تاریخ‌مندی قرآن، و نقد همه ادله مطرح‌شده توسط معتقدان به تاریخ‌مندی قرآن، با رویکردی ایجابی، ادله نظریه فراعصری بودن قرآن را به شکل مبسوط مطرح نموده، نشان دهیم که نظریه فراعصری بودن

قرآن از پشتوانه علمی غنی و مستحکمی برخوردار است و این کتاب، برای همیشه بشر کتاب هدایت خواهد بود.

از امام هادی علیه السلام سؤال شد که چگونه است که قرآن با وجود گسترش و انتشار فراوان، هر روز طراوت بیشتری می‌یابد؟ فرمود: «إِنَّ اللَّهَ (تَعَالَى) لَمْ يَجْعَلْ لِرَمَانٍ دُونَ زَمَانٍ وَلَا لِنَاسٍ دُونَ نَاسٍ فَهُوَ فِي كُلِّ زَمَانٍ جَدِيدٌ، وَعِنْدَ كُلِّ قَوْمٍ غَضٌّ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ».

خداوند متعال این کتاب را برای زمان خاص و گروه خاصی قرار نداده است. این کتاب در هر زمانی تازه است و نزد هر گروهی تا روز قیامت باطراوت است.

اینک براساس فرموده امام رضا علیه السلام که فرمود: «مَنْ لَمْ يَشْكُرِ الْمُنْعِمَ مِنَ الْمَخْلُوقِينَ لَمْ يَشْكُرِ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ» و براساس وظیفه اخلاقی و عرفی، خود را موظف به تشکر از پژوهشگاه حوزه و دانشگاه می‌دانم که در فراهم نمودن شرایط برای انجام این پژوهش، نقش بسزایی داشتند. مخصوصاً از استاد معظم راهنما جناب حجت الاسلام والمسلمین احمد واعظی که در راستای راهنمایی این حقیر از هیچ تلاشی فروگذار نکردند، کمال تشکر و قدردانی را به عمل می‌آورم و برایشان آرزوی موفقیت دارم.

نیز از جناب استاد دکتر محمدباقر سعیدی روشن که جرقه نخستین این پژوهش را در ذهن نگارنده پدید آورده و در دوره آموزشی نیز کمال تلاش را برای پیشرفت دانشجویان عموماً و این حقیر خصوصاً مبذول نمودند و مشاوره رساله را پذیرفتند، تشکر و قدردانی می‌نمایم. همچنین از استاد دکتر محمد فتحعلی خانی که قبول زحمت نمودند و مشاوره این رساله را بر عهده گرفتند کمال تشکر داشته و قدردانی می‌نمایم.

از مدیر سابق گروه قرآن پژوهی جناب دکتر محمد اسعدی و نیز از مدیر محترم سابق تحصیلات تکمیلی پژوهشگاه، جناب دکتر طیب حسینی نیز کمال تشکر و قدردانی را به عمل می‌آورم. امیدوارم خداوند متعال این زحمت ناچیز را در راستای دفاع از کتابش مورد قبول قرار داده باشد. در پایان، این اثر ناقابل را به امام فراعصر حضرت حجة بن الحسن المهدی، عجل الله تعالی فرجه الشریف، تقدیم می‌دارم که عدل قرآن است و برای همیشه بشر، پیام‌آور عدالت و اخلاق انسانی - اسلامی است.

محمد حاجی ابوالقاسم دولابی

فروردین ۱۳۹۷

قم مقدسه

فصل اول

کلیات

۱-۱. مقدمه

موضوع فراعصری بودن قرآن کریم از موضوعات مهم مطرح شده در دوره معاصر است که طرفداران و مخالفانی دارد. کتاب حاضر بر آن است تا با بررسی ادله مخالفان و موافقان این نظریه، به روشی مستدل، فراعصری بودن قرآن و حضور آن را در همه دوره‌های زندگی بشر تا روز قیامت، به اثبات برساند. بر این اساس، قرآن کریم می‌تواند همواره محور همه برنامه‌ریزی‌های جوامع اسلامی قرار گیرد و هیچ‌گاه گرد کهنگی و تاریخ‌مندی بر آن ننشیند.

نظریه فراعصری بودن قرآن کریم بر این باور است که قرآن در عین ناظر بودن به زمانه نزول، اختصاصی به آن دوره ندارد و از سنخ نامه‌های سرگشاده‌ای است که در کنار دارا بودن مخاطب خاص، برای همه انسان‌ها در طول تاریخ معتبر است و گزاره‌های خارجی آن نیز به قضایای حقیقی تأویل برده می‌شوند.

تاریخ‌گروان با تکیه بر تاریخی‌نگری مطلق (هیستوریسیزم فلسفی) و گاه با فروکاستن وحی به تجربه نبوی و گاه با استناد به نزول قرآن به زبان قوم؛ به تفکیک مفاد قرآن کریم به ذاتی و عرضی، و تاریخ‌مند دانستن عرضیات آن رأی می‌دهند که با بررسی سخنان آنان، بطلان مستندات هر یک به اثبات می‌رسد.

در این اثر، در فصل اول، کلیات تحقیق بیان می‌شود و فصل دوم به بیان مبانی فراعصری بودن قرآن می‌پردازد. مقصود از مبانی، آن دسته از باورهایی هستند که انکار آنها چالشی فراروی نظریه فراعصری بودن قرآن ایجاد می‌کند و برای اثبات این نظریه لازم است در مرحله قبل، این مبانی تصدیق شوند. در این فصل با عنایت به علم خداوند متعال به نیازهای انسان تا روز قیامت و با توجه به امکان نداشتن تأثیر فاعلی پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله بر شکل‌گیری قرآن و با عنایت به

ویژگی‌های منحصربه‌فرد وحی دینی که مصون از هرگونه تأثیرپذیری از محیط پیرامونی است همچنین با توجه به مشترکات فراتاریخی انسان و با عنایت به تعیین معنایی متن و ثبات گزاره‌های اخلاقی؛ امکان وجود کتاب فراعصری به اثبات می‌رسد.

در فصل سوم با تکیه بر ادله عقلی و نقلی متعدد، اعم از آیات و روایات و ضرورت و ارتکاز مسلمانان، و نیز برخورداری قرآن از ویژگی‌های متن فراعصری، مانند تمرکز بر نیازهای اساسی بشر در معارف نظری و وظایف عملی، و همسویی با عقل و فطرت، و انعطاف‌پذیری و پیش‌بینی همه شرایط، و عمق معنایی، و ساختار لفظی منحصربه‌فرد؛ فراعصری بودن قرآن به صورت اجمالی به اثبات رسیده است. در فصل چهارم نیز با بررسی دقیق دیدگاه‌های مختلف در درون نظریه فراعصری بودن قرآن و بررسی ادله هر دیدگاه، به تبیین صحیحی از فراعصری بودن قرآن دست خواهیم یافت.

۲-۱. بیان مسئله

مهم‌ترین مسئله در تحقیق پیش روی، آن است که چگونه قرآن به عنوان کتابی که بیش از چهارده قرن پیش و متناسب با نیازهای مخاطبان نخستین خود شکل گرفته، می‌تواند برای بشر امروز که تفاوت‌های فراوانی با بشر چهارده قرن گذشته پیدا کرده است؛ الگوی برنامه‌ریزی قرار بگیرد. روشن است که نیازهای بشر امروز و پرسش‌های پیش روی او قابل مقایسه با پرسش‌های بشر معاصر نزول قرآن نیستند. از سوی دیگر، قرآن کریم به عنوان کتابی که برای اصلاح جامعه معاصر خود نازل شده است، بیگانه با دوره و زمانه نزول خود نبوده در حوادث مختلف و به دنبال پرسش‌های معاصران، یا شأن نزول و اسباب نزول زمان خود نازل شده است. مشکل اصلی آن است که چگونه می‌توان متنی را که در تعامل با زمان خود شکل گرفته و به شکل واضحی رنگ و بوی فرهنگ معاصر خود را داراست، محور برنامه‌ریزی در دوره کنونی با همه تفاوت‌ها و پیشرفت‌های بشر دانست؟ آیا اساساً دلیلی بر نظارت قرآن کریم بر زندگی بشر امروز وجود دارد؟ درباره عصری بودن، یا فراعصری بودن قرآن سه رویکرد قابل تصور است:

عصری‌نگری افراطی

براساس این دیدگاه، قرآن و هر کتاب دیگری، متناسب با تاریخ و موقعیت خود شکل می‌گیرد و در اثر گذشت زمان، کهنه می‌شود و حتی پیام‌های کلی اخلاقی برخاسته از قرآن هم ممکن

است دستخوش تغییر شوند و هیچ اصل مسلم و ثابتی در قرآن و در هیچ کتاب دیگری وجود ندارد.

گزاره‌های خبری آن مطابق فرهنگ عصر نزول و متأثر از آن و گاه مشتمل بر خطاها و باورهای خرافی آن دوره و گزاره‌های انشائی آن متناسب با مصالح همان دوره و برای حل و فصل مسائل مورد نیاز مردمان عصر نزول شکل گرفته‌اند و از همین رو، برای دیگر دوره‌ها صرفاً به عنوان یک متن تاریخی، همانند اشیای باقی مانده از دوره‌های گذشته در موزه‌ها، صرفاً به کار واکاوی تاریخ گذشته می‌آید.

این دیدگاه که برگرفته از هیستوریسیزم فلسفی (تاریخی‌نگری مطلق) است در بخش سوم همین کتاب به گونه مبسوط بررسی خواهد شد.

فراعصری‌نگری حداقلی

براساس این دیدگاه، این پیام یک متن است که فراعصری است و نه خود آن. در این رویکرد، اگرچه یک متن تماماً متناسب با عصر تدوین خود بوده و با تأثیر از فرهنگ دوره تدوین، شکل گرفته و مخاطب خاص داشته و برای اشخاص خاصی تدوین شده است و به همان صورت برای دیگر دوره‌ها قابل استفاده نیست؛ اما پیام آن می‌تواند پیامی جاودانه باشد.

در این تلقی، استفاده از آن متن برای دیگر زمان‌ها اگرچه به شکل ظاهری ممکن نیست؛ اما چنانچه تجزیه و تحلیل شده و به فرهنگ دیگر ترجمه شود، پیامی جاودانه خواهد داشت. البته این ترجمه یک ترجمه تحت‌اللفظی نیست، بلکه ترجمه‌ای از سنخ ترجمه فرهنگی است.

برای این منظور باید عوامل دخیل در شکل‌گیری متن را شناسایی کرد و متناسب با شرایط دوره‌های دیگر، به حکمی متناسب با فرهنگ مقصد دست یافت. برای مثال، براساس این دیدگاه، وقتی قرآن کریم از حکم ارث زن که نصف ارث مرد است با ما سخن می‌گوید، نمی‌توان این حکم را یک حکم فراعصری دانست؛ زیرا این حکم متأثر از فرهنگ دوره نزول و شرایط حاکم بر محیط نزول قرآن است. دوره‌ای که زن در پست‌ترین شرایط خود قرار دارد و تحقیر می‌شود و قرآن کریم با این رویکرد یک گام به جلو آمده و حق زن را تا حدی به او بازگردانیده است. یا از آنجا که زن نان‌آور خانه نیست، ضرورت حکم می‌کند که مرد که نان‌آور خانواده است، بیش از زن ارث ببرد.

اما پیام این آیه جاودانه و فراعصری است. پیام آیه یادشده دفاع از حقوق زنان و تلاش برای رسیدن آنها به جایگاه شایسته و مناسب است که ممکن است این پیام در فرهنگ مقصد،

نتایج متفاوتی را به ثمر بنشانند و برای مثال، به تساوی ارث زن و مرد منجر شود، یا در پرتو نکته دوم، با توجه به اینکه در بسیاری از فرهنگ‌ها زن نیز پایه‌پای مرد کار می‌کند و در فعالیت اقتصادی سهمیم است و حتی گاه بار اداره خانواده را نیز به دوش می‌کشد؛ پس باید ارث او برابر با مرد باشد.^۱

درواقع مطابق این رویکرد نیز، قرآن تاریخ‌مند و عصری است و این پیام برخاسته از آن است که فراعصری است.

فراعصری‌نگری حداکثری

براساس این دیدگاه، قرآن کریم کتابی است که برای همه افراد بشر تا روز قیامت فرستاده شده و این‌گونه نیست که صرفاً پیام‌های کلی برخاسته از آن فراعصری باشد. بلکه همه آیات آن برای مردم همه عصرها — آن‌گونه که برای مسلمانان صدر اسلام معتبر بوده — دارای اعتبار است و این کتاب تا روز رستاخیز راه هدایت و زندگی سعادت‌مندان را برای همه انسان‌ها ترسیم می‌کند. براساس این دیدگاه، گزاره‌های خبری قرآن کریم دائم‌الصدق بوده و گزاره‌های انشائی آن برخاسته از نیازهای کلی بشر در طول تاریخ بوده‌اند. البته این احتمال ممکن است به سه گونه تبیین شود:

تبیین اول (خطاب عام و بی‌نیازی از قرائن برون‌متنی)

تبیین اول این است که الفاظ و عبارتهایی که در قرآن کریم به کار رفته‌اند؛ برای مخاطبان دوره‌های متأخر، همانند مخاطبان دوره نزول، مفید و اثربخش بوده و همان کارکرد نخست را برای آیندگان نیز دارد.

براساس این فرض، خطاب‌های قرآن نسبت به غیر معاصران عمومیت داشته، مخاطب آینده را در کنار مخاطب نخست دیده و در عبارتهای خود با حاضران و آیندگان سخن گفته‌اند. لازمه این احتمال آن است که مخاطبان آینده لازم نیست برای استفاده از قرآن، خود را به جای مخاطبان گذشته بگذارند و شرایط زمانه و فرهنگ آنان را درک کنند. بلکه خود مستقیم مخاطب قرآن به شمار می‌روند.

براساس این احتمال، فراعصری بودن قرآن کریم، اولاً، بی‌نیازی از قرائن و شواهد تاریخی

۱. ابوزید، نقد گفتمان دینی، ص ۱۶۹.

برون‌متنی، همانند شأن نزول و فضای نزول و اسباب نزول و مانند آن است^۱ و ثانیاً، مخاطبان غیر معاصر قرآن می‌توانند همانند معاصران به اطلاعات و عمومات قرآن تمسک ورزند.

تبیین دوم (خطاب خاص و نیاز به قرائن برون‌متنی)

تبیین دوم که در نقطه مقابل تبیین نخست قرار دارد، آن است که اگرچه قرآن فراعصری بوده و اختصاصی به دوره یا زمانه خاصی ندارد و برای همارة بشر معتبر است؛ اما از آنجا که خطاب‌های قرآن به مسلمانان معاصر نزول اختصاص دارند، نسبت به مسلمانان متأخر از زمان نزول وحی، عمومیت ندارند و تمسک به اطلاعات و عمومات آن برای غیر معاصران ممکن نیست.

البته احکام قرآن، میان همه انسان‌ها مشترک است و اختصاص به مسلمانان عصر نزول ندارد. ولی از آنجا که غیر معاصران، نمی‌توانند به اطلاق و عموم قرآن تمسک جویند؛ و شمول احکام دین نسبت به آنان مبتنی بر «قاعده اشتراک» است، و نیز از آنجا که این قاعده یک دلیل گویی است و باید به قدر متیقن از آن اکتفا شود؛ صرفاً در مواردی که یکی بودن شرایط غیر معاصران نزول با معاصران، که به آن «وحدت صنف» گویند احراز شود؛ می‌توان به اشتراک آن در احکام حکم کرد.^{۲ و ۳}

تبیین سوم (خطاب عام در عین نیاز به قرائن برون‌متنی)

تبیین سوم آن است که مدلول عبارت‌های قرآنی که با تکیه بر قرائن و شواهد عقلی، نقلی و تاریخی استنتاج می‌شود، امری فراعصری و مفید برای همه زمان‌هاست. در این فرض، قرآن با تکیه بر قرائن مختلف عقلی و نقلی، مانند فضای سخن و فرهنگ زمان نزول فراعصری خواهد بود و بدون این قرائن برای آیندگان قابل استفاده نخواهد بود.

براساس تبیین سوم، خطاب‌های قرآن، نسبت به غیر معاصران نیز عمومیت داشته، آنها را در طول مخاطب نخست خود، مورد توجه قرار داده است و آنان نیز مانند معاصران «مقصود بالافهام» بوده‌اند. او با مخاطبان هم‌عصر خود سخن گفته است، اما آیندگان را نیز در نظر گرفته و قصد تفهیم آنان را نیز داشته است، به گونه‌ای که آیندگان نیز بتوانند از محتوای سخن او بهره‌مند گردند.

۲. آخوند خراسانی، کفایة الأصول، ص ۲۳۱.

۱. طباطبایی، قرآن در اسلام، ص ۱۳۷.

۳. میرزای قمی، قوانین الأصول، ص ۲۳۰.

براساس این احتمال، مخاطبان آینده لازم است برای فهم درست سخن خداوند، شأن نزول و سبب نزول قرآن و شرایط زمان نزول و فرهنگ آنان را کاملاً درک کنند و پس از کشف مراد خداوند متعال، با تکیه بر قرائن درون‌متنی و برون‌متنی، به اطلاق و عموم آیات نیز تمسک جویند.

تفاوت سه تبیین یادشده

ویژگی تبیین اول نسبت به دو تبیین دیگر، این است که براساس تبیین نخست، برای فهم آیات قرآن هیچ نیازی به دانستن شأن نزول و فرهنگ زمان نزول و اسباب نزول و مانند آنها نیست؛ ولی بر پایه تبیین دوم و سوم، توجه به همه امور یادشده لازم و ضروری است.

ویژگی تبیین دوم نیز، در مقایسه با دو تبیین دیگر، آن است که براساس تبیین دوم، خطاب‌های قرآن اختصاص به مشافهین داشته، و دیگران نمی‌توانند به اطلاقات و عمومات آن تمسک کنند و تنها می‌توانند با تمسک جستن به قاعده اشتراک در احکام، در مواردی که «وحدت صنف» احراز شود، عمومیت احکام قرآن را به اثبات رسانند.

تبیین اول و سوم در این جهت اشتراک دارند که بر پایه هر دو دیدگاه، خطاب‌های قرآن، شامل آیندگان نیز می‌شود و همه افراد بشر تا روز قیامت مخاطب قرآن هستند و در نتیجه می‌توانند در زمان خود، به اطلاقات و عمومات آیات قرآن تمسک کنند، با این تفاوت که بر پایه تبیین اول، برای تمسک به اطلاق و عموم قرآن، نیازی به دانستن سبب نزول و شأن نزول و فرهنگ نزول و دیگر قرائن برون‌متنی نیست؛ ولی براساس تبیین سوم، تمسک جستن به اطلاق و عموم قرآن پس از کشف مرادات خداوند متعال، با تکیه بر همه قرائن درون‌متنی و برون‌متنی، مجاز خواهد بود.

در این کتاب به دنبال اثبات فراعصری‌نگری حداکثری قرآن براساس تبیین سوم خواهیم بود. در ادامه و برای روشن‌تر شدن موضوع تحقیق، به بیان تفاوت این موضوع با برخی موضوعات مشابه دیگر خواهیم پرداخت.

تفاوت فراعصری بودن قرآن و فراعصری بودن فهم قرآن

یکی از مسائل مهم که نباید از تفاوت آن با تحقیق حاضر غفلت ورزید؛ موضوع فراعصری، یا عصری بودن فهم قرآن است. در تحقیق پیش رو، عمده تلاش برای اثبات فراعصری بودن قرآن است و مقصود ما، اثبات این نکته است که قرآن کریم در هیچ‌یک از مراحل نزول و ابلاغ، دچار

تاریخ‌مندی و تأثر از فرهنگ زمانه به گونه‌ای که برای دیگر اعصار مفید نباشد، نشده است. اما تاریخ‌مندی فهم قرآن که مبتنی بر نظریات برخاسته از هرمنوتیک فلسفی در حوزه فهم به صورت مطلق و فهم قرآن به صورت خاص است، کاری به خود قرآن ندارد؛ بلکه به دنبال اثبات این نکته است که فهم متن، تابع موقعیت هرمنوتیکی و افق ذهنی مفسر آن است و براساس مبانی گادامر و هایدگر در باب فهم که منکر یک فهم ثابت و مشترک میان افراد انسان هستند؛ وجود فهم مشترک و فراعصری از قرآن که در همه زمان‌ها معتبر باشد، با انکار مواجه می‌شود.

البته این دو مبحث، در دو مورد از تحقیق پیش‌رو با یکدیگر تلاقی پیدا می‌کنند؛ مورد نخست، مبحث تاریخی‌نگری مطلق است که در بخش اول فصل سوم بدان خواهیم پرداخت. و مورد دوم، مبحث تجربه نبوی است که در بخش دوم فصل سوم بدان اشاره خواهد شد. در بخش یادشده، به این نکته اشاره خواهد شد که از نظر کسانی که قرآن را برخاسته از فهم پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ، یا تجربه وی می‌دانند، با انضمام این نکته که فهم و تجربه تاریخ‌مند است، قطعاً قرآن کتابی تاریخ‌مند و عصری خواهد بود.

از همین‌رو، در بخش‌های یادشده به موضوع تاریخ‌مندی فهم نیز پرداخته خواهد شد؛ ولی از این منظر که تاریخ‌مندی فهم، به تاریخ‌مندی خود قرآن از مسیر تاریخ‌مندی فهم دریافت‌کننده آن، یعنی پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ، منجر خواهد شد.

بنابراین، مقصود اصلی ما در این کتاب اثبات فراعصری بودن خود قرآن است و اگر در مواردی به موضوع فراعصری بودن فهم و تاریخ‌مند نبودن آن پرداخته می‌شود، از باب مقدمه و برای اثبات فراعصری بودن خود قرآن است.

نسبت فراعصری بودن قرآن و فراعصری بودن دین

یکی از مباحث مهمی که برای روشن شدن مسئله مورد بحث باید بدان پرداخت، نسبت میان فراعصری بودن قرآن و فراعصری بودن دین است. البته روشن است که مقصود از دین در عنوان مسئله، اسلام است. همچنین مراد از دین در این بخش، یا گزاره‌های قرآن کریم و سنت معصومان عَلَيْهِمُ السَّلَام و آموزه‌های اعتقادی اخلاقی و فقهی مستفاد از آن دو است، یا پیام کلی برخاسته از آنها. برای مثال، حرمت ربا از آموزه‌های قرآنی بوده و حرمت ظلم پیام کلی برخاسته از آن است، یا نسبت ارث زن و مرد از آموزه‌های قرآنی بوده و دفاع از حقوق زن پیام کلی مستفاد از آن است. در هر یک از این دو فرض، نسبت میان دین و قرآن متفاوت خواهد شد.

چنانچه در مقایسه فراعصری بودن قرآن و دین، معنای اول، یعنی خود گزاره‌های دین و آیات قرآن و سنت معصومان مورد نظر باشد؛ در میان نسبت میان فراعصری بودن قرآن و دین باید گفت: نسبت میان این دو عموم و خصوص مطلق است؛ زیرا هر کس به فراعصری بودن دین معتقد باشد، لاجرم به فراعصری بودن قرآن نیز معتقد است و اعتقاد به فراعصری بودن دین، از اعتقاد به فراعصری بودن قرآن جدا نخواهد بود. بر این اساس مطابق این تعریف از دین، نسبت میان قرآن و دین، نسبت جزء و کل است و قرآن بخش مهمی از دین به شمار می‌رود و اعتقاد به فراعصری بودن دین، بدون اعتقاد به فراعصری بودن قرآن بی‌معناست. اما اگر کسی به فراعصری بودن قرآن معتقد شد، لازم نیست به فراعصری بودن دین نیز، معتقد باشد چون دین، فراتر از قرآن و شامل سنت معصومان علیهم‌السلام نیز هست. به سخن دیگر، ممکن است کسی قرآن را فراعصری بداند، اما سنت معصومان را متأثر از زمان خود و تحت تأثیر شرایط تاریخی ارزیابی کند و در مانایی آن تردید روادارد و در نتیجه فراعصری بودن دین، به معنای مجموعه قرآن و سنت، دچار آسیب شود.

و چنانچه مراد از دین در عنوان مسئله، معنای دوم یعنی پیام‌های کلی برخاسته از قرآن و سنت معصومان باشد، در این صورت پاسخ مسئله با قبل متفاوت خواهد شد؛ زیرا در این صورت، عصری بودن و تاریخ‌مند بودن قرآن الزاماً مساوی با عصری بودن و تاریخ‌مند بودن دین نیست؛ چرا که ممکن است کسی در عین اعتقاد به تاریخ‌مندی آموزه‌ها و گزاره‌های قرآنی؛ معتقد به فراعصری بودن پیام‌های کلی این آموزه‌ها شود. براساس این نگاه، قرآن متنی عصری و تاریخ‌مند است؛ اما دین که مطابق فرض، به معنای پیام‌های کلی برخاسته از قرآن با سازوکار خاص است؛ فراعصری و غیر تاریخ‌مند است.

برای مثال، در قرآن کریم، از ربا نهی شده و رباخواران از نظر قرآن ملامت شده‌اند. تلقی عمومی فقها از این گزاره قرآنی آن است که این یک گزاره فراعصری و به سخن دیگر، این قضیه را یک قضیه حقیقی و جاری در طول تاریخ تلقی می‌کنند. اما ممکن است کسی این گزاره را یک قضیه تاریخی و ناظر به شرایط زمان خود بداند و ادعا کند که در آن زمان، ثروتمندان به جای کمک به نیازمندان، از آنها ربا می‌گرفتند و این موجب فشار اقتصادی بیشتر بر آنان می‌شد و این‌گونه ربا از مصداق‌های بارز ظلم به شمار می‌رود و در نتیجه آنچه در قرآن حرام شده ربای رایج آن زمان است که به این عنوان که ظلم است، حرام شده است.^۱ بنابراین، تلقی، حرمت ربا

۱. صانعی، رساله فی الربا، ص ۳۶.

امری فراعصری و دائمی نیست و اگر در زمانی ربا ظلم تلقی نشد، بلکه مصداق احسان بود؛ دیگر دلیلی بر حرمت آن وجود ندارد. مثل اینکه بانک به کارخانه‌داری وامی بدهد، تا آن کارخانه به سوددهی برسد و سپس بدهی خود را با بهره و سود معقول به بانک بازگرداند که در فرض یادشده، این وام از مصداق‌های نقد و اقساط و احسان به دیگران به شمار می‌رود، نه ظلم. در فرض بالا اگرچه گزاره قرآنی یادشده یک گزاره تاریخی و ناظر به زمان خود است و نمی‌توان گفت ربا در همه انواع و اشکالش، در همه زمان‌ها حرام است. اما دین، به معنای پیامی که از این گزاره استفاده می‌شود که همان حرمت ظلم به دیگران است، امری فراعصری است. به سخن دیگر، موضوع حرمت در گزاره قرآنی عنوان رباست، اما در پیام کلی برداشت شده از این گزاره که با سازوکار خاصی به دست آمده؛ موضوع حرمت، ظلم است. بنابراین، گزاره قرآنی تاریخ‌مند، اما پیام کلی دینی فراتاریخی و فراعصری است. در بخش‌های قبل این دیدگاه را در رویکرد حداقلی به موضوع فراعصری بودن قرآن بیان کردیم. در واقع، مطابق این دیدگاه، قرآن با توجه به گزاره‌ها و آموزه‌هایی که در بر دارد، عصری و از نظر پیامش فراعصری است. به دیگر سخن، قرآن، عصری است، ولی دین که همان پیام برخاسته از قرآن است، فراعصری است. با عنایت به مطالب یادشده، روشن می‌شود که ممکن است کسی قرآن را عصری و تاریخ‌مند بداند و در عین حال، دین را فراتاریخی به شمار آورد و با تفکیک مقارنات تاریخی از قرآن، حکم به فراعصری بودن دین به معنای پیام‌های کلی برخاسته از قرآن بدهد.^۱ البته چنانچه کسی قرآن را فراعصری بداند و گزاره‌های آن را ناظر به همه اعصار تلقی کند، لاجرم، پیام‌های کلی قرآنی را نیز فراعصری خواهد دانست. نتیجه این بحث تاکنون آن است که فراعصری بودن قرآن، متفاوت با فراعصری بودن دین است. در این کتاب صرفاً بر روی عنوان فراعصری بودن قرآن تأکید شده است و از این نظر موضوع این اثر با موضوع بحث فراعصری بودن دین، تفاوتی آشکار دارد.

تفاوت فراعصری بودن قرآن با موضوع پیروی نکردن قرآن از فرهنگ قوم

یکی از موضوعاتی که در سال‌های اخیر توجه قرآن‌پژوهان را به خود جلب کرده، موضوع پیروی نکردن قرآن از فرهنگ زمانه است که در این زمینه مقالات و کتاب‌های فراوانی نوشته شده‌اند. از جمله، می‌توان به کتاب پژوهشی در نسبت میان قرآن و فرهنگ زمانه، اثر دکتر حیدرعلی

۱. ابوزید، نقد گفتمان دینی، ص ۱۶۹.

رستمی^۱ و قرآن و فرهنگ زمانه، نوشته محمد هادی معرفت^۲ اشاره کرد. از این رو، لازم است به تفاوت این موضوع با موضوع تحقیق حاضر اشاره شود. چنان که در بحث‌های آینده اشاره می‌شود، موضوع پیروی قرآن از فرهنگ زمانه، به عنوان یکی از استدلال‌هایی که می‌تواند به عصری بودن قرآن منجر شود مطرح شده است. در صورت اثبات نظریه «پیروی قرآن از فرهنگ زمانه»، راه برای اثبات نظریه عصری بودن قرآن هموار می‌شود. اگرچه در همین فرض ممکن است برخی تلقی‌های فراعصری بودن که در بخش اول این فصل بدانها اشاره شد، یعنی نگاه حداقلی به موضوع فراعصری بودن قرآن، در عین پذیرش پیروی قرآن از فرهنگ زمانه قائل به فراعصری بودن آن باشد. در هر صورت، نظریه فراعصری بودن قرآن در تبیین دوم از رویکرد حداکثری خود، که معتقد به تأثیر فرهنگ زمانه بر قرآن و در عین حال حضور آن در همه عصرهاست؛ تفاوتی آشکار با موضوع پیروی قرآن از فرهنگ قوم دارد و موضوع پیروی قرآن از فرهنگ قوم می‌تواند به عنوان یک تقریر برای اثبات عصری بودن قرآن، به کار رود. در کنار این تقریر، مباحث تاریخی‌نگری مطلق و از سنخ تجربه دینی بودن قرآن نیز می‌تواند به عنوان دلیل بر نظریه عصری‌انگاری قرآن به کار رود.

تفاوت فراعصری بودن قرآن با موضوع چگونگی پاسخگویی قرآن به نیازهای زمان

یکی دیگر از موضوعاتی که در بدو نظر شباهتی با موضوع این اثر دارد، چگونگی پاسخگویی قرآن با آیات ثابت و محدود خود، به نیازهای متغیر و متفاوت زمان است، که در این باره نیز کتاب‌هایی نوشته شده‌اند؛ از جمله، استاد مطهری^۳ و دکتر ابراهیم کلانتری^۴ به این موضوع پرداخته‌اند. ولی تفاوت آشکاری میان موضوع این اثر و چگونگی پاسخگویی قرآن به نیازهای زمان وجود دارد.

تفاوت دو موضوع از این جهت است که فراعصری بودن قرآن و جاودانگی آن، از مبانی و پیش فرض‌های موضوع دوم به شمار می‌رود. در موضوع پاسخگویی قرآن به نیازها، اصل فراعصری بودن قرآن پذیرفته شده است و نویسنده به دنبال به دست دادن یک تحلیل قابل قبول

۱. رستمی، پژوهشی در نسبت میان قرآن و فرهنگ زمانه.

۲. معرفت، قرآن و فرهنگ زمانه.

۳. مطهری، اسلام و مقتضیات زمان.

۴. کلانتری، قرآن و چگونگی پاسخگویی به نیازهای زمان.

برای چگونگی تطابق متن ثابت و محدود با نیازهای متغیر و نامحدود است. اما در اترحاضر، بر اصل فراعصری بودن، دقت نظر می‌شود و نگاه مخالفان این موضوع که طیف‌های متفاوتی را دربر می‌گیرد، ارزیابی خواهد شد.

گستره موضوع

مهم‌ترین عامل مطرح شدن موضوع عصری بودن قرآن و تاریخ‌مند بودن آن، تغییر رفتارهای اجتماعی بشر و ورود به عرصه‌های جدید و تفاوت‌های بنیادین با شیوه‌های کهن زندگی است که در برخی موارد با گزاره‌های موجود در قرآن کریم در تنافی است. سبک زندگی بشر امروز در عرصه‌های متنوع فرهنگ و سیاست و اقتصاد، تفاوتی چشمگیر با دستورالعمل‌های مطرح‌شده در قرآن دارد و برای حل این تعارض، برخی نظریه‌پردازان عرصه دین راه‌حل را در عصری قلمداد کردن قرآن دانسته و به همین منظور با بیان‌های گوناگون در جهت ترویج این نظریه تلاش کرده‌اند.

با توجه به مطالب یادشده، مهم‌ترین موضوع مورد توجه طرفداران نگاه تاریخ‌مند به قرآن کریم، دستورهای رفتاری این کتاب مقدس است؛ اما در مقام استدلال بر مدعای یادشده، گستره بحث به دیگر حوزه‌های معارفی قرآن نیز کشیده شده است. از این‌رو، مباحث مطرح شده در این اثر نیز دامنه‌ای بسیار گسترده‌تری از مباحث صرفاً ناظر به رفتارهای اجتماعی خواهند داشت. در این پژوهش، افزون بر مباحث ناظر به رفتار انسان‌ها، بر مباحثی پیرامون خداشناسی و انسان‌شناسی و راه و راهنماشناسی و نیز قرآن‌شناسی از نگاه قرآن که هر یک خود در برخی موارد، توسط طرفداران نگاه تاریخ‌مند به قرآن مورد استناد قرار گرفته است، توجه خواهد شد.

۳-۱. ضرورت‌ها و اهمیت‌ها

بر آگاهان از علوم اسلامی پوشیده نیست که تمدن و فرهنگ اسلامی وابستگی بسیاری به قرآن کریم، به عنوان متن اصلی استخراج عقاید و اخلاقیات و احکام اسلامی دارد و از این‌رو، قرآن به عنوان منبع اصلی استخراج آموزه‌های دینی مطرح است و اعتبار سنت به معنای قول و فعل و تقریر معصوم ص نیز به اعتبار قرآن وابسته است و حتی در مرحله پذیرش، قبول آنچه از سنت نقل شده است به نداشتن مخالفت^۱ و در برخی روایات به موافقت با قرآن منوط شده است.^۲

۱. کشی، رجال الکشی، ص ۲۲۴.

۲. کلینی، الکافی، ج ۱، ص ۶۹.

از سوی دیگر، به دنبال ایرادهای اساسی که در آیین تحریف شده مسیحیت وجود دارد و پس از رنسانس و پیشرفت‌های حیرت‌انگیز غرب در عرصه‌های مختلف زندگی مادی بشر، و طبعاً مهجوریت کلیسا و کتاب‌های مقدس آنان؛ تلاش‌هایی به منظور آشتی دادن مردم با کتاب‌های مقدس تحریف شده صورت گرفت و مبانی مختلفی بنا نهاده شد، که وقوع تناقض‌ها و اشتباه‌های فاحش این کتاب‌ها و ناسازگاری آنها با علم تجربی را توجیه کند. برخی متفکران غربی، کتاب الهی را محصول تجربه شخص نبی و طبعاً غیر آگاهی بخش تلقی کرده، تطبیق جزء به جزء آن با واقعیت را اشتباه دانسته، این کتاب‌ها را صرفاً بیانگر حالات درونی نبی در ارتباط با خدا دانستند و در ادامه با تأملات فلسفی در ماهیت فهم، به تاریخی بودن فهم به طور مطلق متمایل گشته، در نتیجه قائل به تاریخ‌مندی این متون شدند، درصدد توجیه اشتغال آنها بر خطا و اشتباه برآمدند.

در حوزه تفکر اسلامی نیز برخی روشنفکران، با آشنایی با مبانی یادشده در فرهنگ غربی، به ترجمه و برگردان این مبانی و تطبیق آن بر قرآن کریم پرداختند.

از همین رو، آشنایی با خاستگاه اصلی این مباحث، و پاسخ مستدل دادن به آن، ضرورتی اجتناب‌ناپذیر در راستای تقویت نگاه به قرآن، به منزله منبع تولید فرهنگ و تمدن اسلامی، به شمار می‌رود؛ ضرورتی که غفلت از آن می‌تواند به پذیرش تاریخ‌مندی قرآن در میان فرهیختگان منجر شود و زمینه را برای سیطره فرهنگ غرب فراهم آورد.

مراکز علمی و پژوهشی می‌توانند از نتایج این تحقیق استفاده کنند و در نهایت به حضور قرآن کریم در عرصه برنامه‌ریزی و قانونگذاری و نیز نظریه‌پردازی در زمینه‌های مختلف علوم انسانی یاری رسانند.

۴-۱. اهداف

در کتاب پیش رو به دنبال اثبات نظریه فراعصری بودن قرآن و به دست دادن تحلیلی معقول از فراعصری بودن قرآن، در عین ناظر بودن آن به دوره نزول خواهیم بود.

۵-۱. پرسش‌ها

پرسش اصلی

آیا قرآن کریم به عنوان متنی که در دوره و عصر خویش و متناسب با نیازهای آن زمان شکل گرفته است، می‌تواند ناظر به عصرهای پس از نزول بوده پاسخگوی نیازهای همه عصرها باشد

و به عنوان متنی فراعصری در دوره کنونی که دوره تکامل عقل بشری است و زندگی انسان در شکلی کاملاً متفاوت با دوره نزول قرآن در جریان است، محور برنامه‌ریزی‌ها قرار گیرد؟

پرسش‌های فرعی

۱. مبانی نظریه فراعصری بودن قرآن کدام‌اند؟
۲. مستند طرفداران عصری بودن قرآن چیست؟
۳. دلایل بر فراعصری بودن قرآن کدام‌اند؟
۴. ویژگی‌های متن فراعصری کدام‌اند؟
۵. چگونه می‌توان متنی را که ناظر به دوره‌ای خاص بوده و در تعامل با فرهنگ خاصی پدید آمده است، فراعصری دانست؟

۱-۶. فرضیه

فرضیه این کتاب، فراعصری بودن حداکثری قرآن کریم است. در این رویکرد، اگرچه در برخی آیات مخاطب نخستین قرآن، شخص رسول اکرم ﷺ و در برخی دیگر از آیات مسلمانان صدر اسلام هستند؛ اما در هر دو دسته، مخاطب دیگری نیز به شکل طولی برای آیات وجود دارد و آن مسلمانان دیگر عصرها در طول تاریخ‌اند.

این نوع خطاب را که دو مخاطب طولی دارد، می‌توان در نامه‌های سرگشاده‌ای که خطاب به شخص خاصی نوشته می‌شوند، به خوبی درک کرد. در این گونه نوشته‌ها اگرچه نویسنده به مخاطبی خاص خطاب می‌کند؛ اما به صورت طولی، همه خوانندگان این متن را مخاطب خود ساخته و به گونه‌ای سخن می‌گوید که آنها نیز کلامش را بفهمند و فهم مطلب در انحصار مخاطب خاص نباشد. حال اگر کسی که عالم به نیازهای انسان در طول تاریخ بود، در سخن خود تصریح کرد که می‌خواهم همه انسان‌ها، حتی مخاطبان عصرهای بعدی را نیز با همین کتاب هدایت کنم، لاجرم در چنین متنی بر نیازهای آنان نیز توجه کرده است و در نتیجه، آن کتاب برای همه زمان‌ها مفید و مؤثر خواهد بود و تمسک به اطلاق و عموم آن برای همه مسلمانان جایز است.

براساس این تقریر، اصل معطوف بودن وحی به واقعیات و حوادث مهم عصر نزول، امری انکارناپذیر است؛ اما این امر نه پیام و محتوای معرفتی و تشریحی و اخلاقی دین را محدود به

شرایط زمانی و مکانی آن وقایع و اتفاقات می‌کند و نه این واقعیت را که وحی تنزل یافته از حقیقت وجودی برتر^۱ است، خدشه‌دار کند.^۲

در کتاب حاضر، هم نگاه کسانی که در سایه تعالیم هرمنوتیک فلسفی و ایدئولوژی لیبرالیستی، قرآن را عصری می‌انگارند و هم نگاه کسانی که معتقد به فراعصری بودن حداقلی قرآن هستند و قرآن را منحصر به دوره نزول خود دانسته و صرفاً پیام کلی آیات آن را جاودانه می‌شمارند و هم نگاه کسانی که دیدگاه فراعصری‌نگری حداکثری با تبیین اول داشته و معتقدند برای فهم قرآن هیچ نیازی به قرائن برون‌متنی وجود ندارد و هم نگاه کسانی که دیدگاه فراعصری‌نگری حداکثری با تبیین دوم داشته و معتقدند خطاب‌های قرآن شامل غیر معاصران آن نمی‌شود؛ به مناقشه و چالش کشیده می‌شود.

۱-۷. پیش‌فرض‌ها

از مهم‌ترین پیش‌فرض‌ها در کتاب حاضر، وجود باری تعالی و حکمت و علم اوست که در بخش مبانی به صورت گذرا به این پیش‌فرض‌ها اشاره خواهیم کرد. همچنین وجود نیازهای مشترک در انسان معاصر با انسان عصر نزول که زمینه را برای امکان پذیرش وجود متنی فراعصری هموار می‌سازد از دیگر پیش‌فرض‌های اثر یادشده است که در بخش مبانی به صورت گذرا بدان نیز اشاره خواهد شد.

۱-۸. تعریف عملیاتی واژه‌ها

موضوع این تحقیق فراعصری بودن قرآن است و تنها واژه‌ای که در این بخش بررسی می‌شود واژه فراعصری است؛ زیرا واژه «قرآن» نیازی به توضیح ندارد. البته اینکه مضاف‌الیه عنوان فراعصری، الفاظ قرآن، یا معانی آن، یا پیام‌های کلی برخاسته از آن است؛ در ادامه بحث خواهد شد.

فراعصری بودن

«فراعصری بودن» در مقابل عصری بودن است و مقصود از عصری بودن، تاریخ‌مند بودن و دارای تاریخ مصرف بودن است. امر عصری، هر امری است که صرفاً متناسب با زمان خود شکل

۱. أم‌الکتاب، لوح محفوظ و کتاب مکنون.

۲. واعظی، نظریه تفسیر متن، ص ۳۸۳.

گرفته و طبعاً با گذشت زمان کارایی و اعتبار خود را از دست می‌دهد. در نقطه مقابل، «فراعصری بودن» به معنای غیر تاریخ‌مند بودن و مفید بودن برای همه زمان‌ها، همانند زمان پدید آمدن آن امر است.

واژه «فراعصری بودن»، از واژه‌های جدید است و بیشتر در ادبیات اندیشمندان حوزه دین به کار نرفته است. اما واژه‌های مترادف واژه «فراعصری بودن» عبارت‌اند از: «جاودانگی» و «غیر تاریخ‌مند بودن» که در مقابل «تاریخ‌مندی» قرار دارند و در ادبیات این حوزه بیشتر به کار رفته‌اند. «تاریخ‌مندی» نیز به معنای موقتی بودن شیء بوده و بیانگر این نکته است که مضاف‌الیه این واژه هرچه باشد، امری موقت است و در زمان خاصی کاربرد و کارایی دارد و به مرور زمان کارایی خود را از دست می‌دهد. همانند ابزارهای جنگی گذشتگان که امروزه دیگر به کار جنگ نمی‌آید و صرفاً به عنوان اشیای عتیقه و تاریخی در موزه‌ها قابل مشاهده است. معادل غربی واژه تاریخ‌مند، واژه "historical" است که برگرفته از واژه "historicism" به معنای تاریخی‌نگری است که در سنت فلسفه آلمان در حدود دو قرن سابقه دارد و تطور معنایی فراوانی یافته است و از همین رو، به دست دادن تعریف واحد از آن دشوار به نظر می‌رسد^۱ و در یک معنای آن، که مناسب با موضوع این اثر است، عبارت از نگرشی است که تاریخ را محیط و مؤثر بر همه امور انسان، اعم از وجود، فهم، عقل، شناخت، عقاید، دین و مذهب و ارزش‌ها، اخلاق و فرهنگ او می‌داند و هر یک از این امور را مختص به دوره خود و زائیده اوضاع تاریخ خاص می‌شمرد و آن را به دیگر زمان‌ها و اوضاع و احوال دیگر قابل تسری نمی‌داند.^۲

فراعصری بودن قرآن

هنگامی که این وصف به قرآن اضافه شود می‌تواند یکی از دو احتمال ذیل را افاده کند:

فراعصری بودن معانی الفاظ قرآن کریم

مقصود از این احتمال آن است که هرچه از الفاظ قرآن کریم برای مخاطبان نخست قرآن اراده شده، برای دیگر مسلمانان و انسان‌های دوره‌های متأخر نیز اراده شده است و همین عبارت‌های قرآنی با معانی اراده شده از آن در صدر اسلام بیانگر راه هدایت و سعادت انسان در طول تاریخ

1. Paul, *Routledge Encyclopedia of Philosophy*, v.3 p.24.

۲. عرب‌صالحی، تاریخی‌نگری و دین، ص ۵۰.

بشری بوده‌اند و هدایتگری مدلول این الفاظ و عبارات‌ها، اختصاص به دوره و زمانه خاصی ندارد. در این احتمال، خداوند متعال قصد هدایت همه انسان‌ها تا روز قیامت را با همین کتاب بوده است.

فراعصری بودن پیام‌های کلی برخاسته از قرآن کریم

مراد از پیام قرآن، مقاصد آیات و اهدافی هستند که از گفتن یک عبارت مورد نظرند. براساس این احتمال، این مدلول الفاظ و عبارات‌های قرآن نیستند که فراعصری‌اند و مراد خداوند از این آیات، اختصاص به دوره خاصی دارد که ممکن است دوره آن سپری شود؛ بلکه این پیام برخاسته از آیه بوده و در همه زمان‌ها از آن استفاده می‌شود.

براساس این فرض، پدیدآورنده قرآن مخاطبان آینده را در نه در عرض مخاطب نخست و نه در طول او، ندیده است و اساساً بر آنها توجه نکرده است و قصد افهام مطلبی به آنان را نداشته است. او با مخاطبان هم‌عصر خود سخن گفته است، اما از آنجا که این کتاب مشتمل بر پیام‌های انسانی است، آیندگان نیز می‌توانند از پیام‌های آن بهره‌مند شوند. ولی تطبیق جزء به جزء آن، بر زندگی آنان لازم نیست.^۱

کسانی که طرفدار فراعصری بودن قرآن هستند، احتمال اول را قصد کرده‌اند؛ زیرا براساس احتمال دوم، دیگر نمی‌توان قرآن را فراعصری دانست؛ بلکه این پیام انسانی برخاسته از قرآن است که فراعصری است، در حالی که خود قرآن به معنای الفاظ و عبارات آن و معانی و مدالیل آن، اسیر تاریخ زمان نزول خود بوده و حضوری در دیگر زمان‌ها ندارد.

۹-۱. پیشینه بحث

پیشینه اصل بحث تاریخ‌مندی دین در غرب، به حدود دو قرن می‌رسد؛ اما درباره قرآن کریم به صورت خاص در سال‌های اخیر و در سایه ترجمه برخی آثار غربی پیرامون موضوع تاریخ‌مندی فهم و نیز تاریخ‌مندی متون وحیانی، کتاب‌ها و مقالاتی درباره عصری بودن قرآن نگاشته شده است. در جهان عرب، نویسندگانی همچون محمد آرگون، در کتاب العلمنة والدین و تاریخیة الفکر العربی الاسلامی و نصر حامد ابوزید، در کتاب‌ها و مقاله‌های متعدد از جمله «مفهوم النص» و «نقد الخطاب الدینی» و «محمد و آیات الهی» که مجموعه مصاحبه‌های ایشان به زبان

۱. جلیلی، «وحی در هم‌زمانی بشر و هم‌لسانی با قوم»، مجله کیان، ش ۲۳، ص ۱۳۷۳، ص ۲۳.